مژده حیات یا تخلیه ایران از قشون خارجی

مادّهء دهم متارکهء نامهء را که در تاریخ غرّهء ربیع الاوّل 1336 بین‏ نمایندگان فرماندهان کلّ قشون دول اتّحاد از یک طرف و دولت روس‏ از طرف دیگر در برست لیتوسک‏1بسته شده میتوان یک قدم حقیقی‏ بطرف استقلال حقیقی و کامل ایران دانست.ترجمهء مادّهء مذکور از این قرار است:«فرماندهان کلّ قشون عثمانی و روس اساس آزادی‏ و استقلال و تمامیّت خاک ایران را مبنی قرار داده حاضرند که قشون خود را از ایران بیرون ببرند.فرماندهان مذکور هرچه زودتر با دولت ایران‏ داخل مذاکرات شده که جزئیات امر تخلیه را تصویه و سایر اموری را که‏ برای انجام اساس مذکور ضروری است مقرّر دارند.»

در این موقع روزنامهء آلمانی«نرددویچه آلگماین زیتونگ»2از آقای تقی‏زاده مقالهء در این خصوص برای درج خواهش نمود ایشان‏ نیز مقالهء باو فرستادند که در شمارهء 9 ربیع الاوّل 1336(23 دسامبر 1917)درج است و ما ترجمهء آنرا در اینجا نقل میکنیم:

تخلیهء ایران‏ یک قدم بسوی استقلال حقیقی

غرّهء ربیع الاوّل 1336 در تاریخ ایران مانند 9 محّرم 1335 برای لهستان یک روز سعادتی خواهد ماند.در هر دو روز دولت ایران که مدّعیان«آزادی ملل ضعیف»او را بخیالات‏ جهانگیری متّهم میسازد قدمی بزرگ برای استقلال و آزادی‏ دو مملکت قدیم برداشت.از ابتدای جنگ دولت آلمان همیشه‏ اثبات کرده که وی عمل را بر قول ترجیح میدهد.ایران که‏ یکی از مسلّم‏ترین نمونهء ملّیت تردید ناپذیر و هم قدیم‏ترین ملّت‏ ااز ملل متمدّنهء دنیای قدیم است و هرگز طرف توجّه«علمداران‏ اصول ملّیت»نشد.از این مملکت تاریخی که هم عصر اسپارت‏ و آتن است و تا امروز در میان امواج شرقی و غربی ملل‏ جهانگیر ملّیت خود را با وحدت و تجانس کاملا حفظ کرده‏ است نه تنها در نطقهای پی‏درپی سه سالهء رجال«آزادی‏ طلبان»و پهلوان اصول ملّیت در نصف کرهء غربی ذکری از آن نشد بلکه دولت بریطانی با تسار روس همدست شده و در 11 محرّم 1334 بقیّة السّیف آن مملکت را نیز میان خود مخفیانه‏ تقسیم کردند.آنها که از برای بلژیک و کوه سیاه و سربستان‏ که تاریخ استقلال آنها بقرئی نمیرسد ادّعای مدافعه میکردند و حتّی‏ ملّتهای از میانرفته را استقلال می‏بخشودند بی‏شرمانه ایران و یونان دو نمونهء شرقی و غربی قدیم‏ترین ملّیت دنیای تمدّن را زجرکش و خفه میساختند.

فثوحات معجز نمای آلمان در شرق باعث سرنگون شدن‏ استبداد تساری شده و انقلاب روس اصول ملّیت را با حقیقت‏ و صمیمیّتی فزونتر ازمتّحدین غربی آن دولت اعلان کرد. دولت آلمان که از ابتدای جنگ همواره اظهار حسن نیّت خود را دربارهء استقلال تامّ و آزادی ایران بقول و عمل مکرّرا اظهار کرده بود و باعث امید وسپاسگذاری ملّت ایران شده بود دوستی خود را بآزادی ایران عملا اثبات کرد و اینک آزادی‏ طلبی حقیقی آن دولت را در مادّهء دهم از عهدنامهء متارکهء جنگ‏ با روس می‏بینیم.

غرّهء ربیع الاوّل باید یک عید ملّی بماند.در این بهمهء بیحسابها و مظالمی که در 9 سال اخیر از طرف قشون روس‏ در ایران بعمل آمده که داستان بی‏پایان آنرا بیک کلمهء«زجر کشی‏ و مثله»اختصار توان کرد خاتمه داده شده است.

قشون روس در 15 آپریل 1909 از جلفا در گذشته‏ و بعنوان«حمایت اتباع روس»و موقّتا داخل ایران شد.این‏ وظیفهء«موقتّی»پس از 9 سال تمام نشد که سهل است دامنهء وسعت آن تا نقاط جنوبی ایران مرکزی هم رسید.

در اواخر جمادی الآخره 1327 بعنوان احتیاط و خوف‏ از خطر حملهء بختیاریها و ملّیون بطهران قشونی از باکو بانزلی‏ و رشت تا قزوین در 25 فرسخی طهران فرستاده شد.کمی بعد در استراباد و مشهد و مازندران نیز قشون روس وارد شد. و اینک اصفهان پایتخت قدیم ایران در ایران مرکزی و تمام‏ ولایات غربی ایران نیز در تحت تصرّف قشون آن دولت است. از عهدنامهای مخفی منتشره در پترسبورگ معلوم میشود که‏ مدّعیان آزادی ملل خیال داشته‏اند بعد از چنگ یکباره کار ایران را ختم کنند و«منطقهء بیطرف»رانیز میان خود قسمت‏ نمایند.

بلی این همه ناحقّی و مصائب که در عهد اخیر بایران وارد شده بود پایانی میبایست داشته باشد.عدل آلهی بمکر و غدر بایستی‏ خاتمه بدهد و بایستی معلوم شود که حیله و دروغ هر قدّر با شدّت‏ تکرار و با تشکیلات منظّم ولیره در دنیا بسط داده شود حقیقت‏ روزی از پس پرده درآمده همهء آن دستگاهها را مثل تار عنکبوت‏ پاره و برطرف میکند.

موافقت آلمان برفع امتیازات خارجیها در مقابل قانون‏ مملکتی(کاپیتولاسیون)در عثمانی،اعلان حسن نیّت دربارهء ایرلند، آزادی و استقلال بخشیدن بلهستان،شرط کردن تخلیهء ایران‏ از قشون خارجی با افشای عهدنامهای مخفی در پترسبورگ‏ دستگاه تزویر را اگر بهم نزند و اگر باز جمعی گول حرفهای‏ خوش ظاهر«علمداران»آزادی را بخورند دیگر چیزی آنها را متنبّه نخواهد کرد.

گمان میکنم ترجمانی حسیّات کلّ ملّت ایران را کرده باشم اگر تشکّرات صمیمی تمام ملّت خودم را بدولت آلمان و متّحدین او از این نعمت ابراز کنم و بگویم که آن مملکت هیچ‏وقت حقشناسی‏ این نیکی را فراموش نخواهد کرد.

تخلیهء ایران از قشون خارجی اوّل قدمی است که در راه استقلال کامل ایران برداشته شد.لکن برای‏ آنکه ایران واقعا آزاد و حقیقة دارای تمام حقوق استقلالی‏ خود باشد لازم است که این قدم را قدمهای دیگر در پی‏ آید.اوّلا لازم است تخلیهء ایران بمعنی تامّ و کامل بعمل آید نه جزئی یعنی باید آن دسته‏های کوچک نظامیان خارجه هم که‏ مدّتها بعنوان دروغین«محافظین قونسولخانها»در بعضی از قونسولخانهای خارجه نگاهداشته میشد و در حقیقت پیش قراول‏ استیلای نظامی بود که هر وقت میخواستند بتدریج زیاد میکردند نیز عودت داده شود و یک فرد نظامی خارجه در خاک ایران نماند.

ثانیا باید قشون انگلیس و ملاّحان آن دولت نیز که در ولایات‏ جنوبی و بنادر ایران رحل قامت انداخته‏اند و بهانهء ظاهری‏ آنه دائما فقط خوف از نفوذ و خطر روس بود نیز«ایران‏ بیطرف»را کاملا تخلیه کنند که حقیقت ادّعاهای دوستی و طرفداری‏ استقلال ایران که آن دولت همیشه میکرد بفعل و ثبوت برسد.

ثالثا و مهّتر از همه آنست که قیودات و امتیازاتی که بموجب‏ آنها بتدریج ایران را مغلول و مقیّد داشته و درصدی نود حقوق‏ استقلالی آنرا روس و انگلیس سلب کرده و ایرانرا مانع از هر گونه حرکت و ترقّی شده‏اند باطل و زایل گردد و دست و پای‏ ایران کاملا از این زنجیرها آزاد شود.تا قشون خارجه ایرانرا تخلیه کنند دولت ایران باید قوای نظامی امنیّه در ولایات خود فورا تدارک کند که نظم و امنیّت را کاملا حفظ کند و هیچگونه‏ دل‏واپسی باقی نگذارد.برای ایجاد یک قوّهء نظامی منظّم صاحب‏ منصبان اروپائی لازم است که تا حال دولت ایران از آزادی‏ استخدام آنها از ذی الحجّه 1329 باین طرف بدبختانه محروم‏ است.برای نگاهداری آن قوّهء نظامی که اواجب واجبات است‏ پول نقد لازم است که شاید از اوّل امر لازم شود که بقرض از خارجه تدارک شود در صورتی که از سال 1318 باین‏ طرف این حق از دولت ایران مسلوب شده و هکذا صدها حقّ دیگر که شرح آنها در اینجا لازم نیست و بدون آنها اصلا اساس آزادی و استقلال معنی ندارد و عملا هم نگاهداری آنها امکان‏پذیر نیست.

لکن قسمت اوّل و آخر مادّهء دهم متارکه که دولت متّحدین‏ مرکزی و روس«آزادی و استقلال و تمامی خاکی»ایران را مبانی سیاست قرار داده و علاوه بر تخلیهء ایران میخواهند با دولت ایران داخل مذاکره شده و«سایر وسایل را که برای‏ انجام اساس مذکور ضروری خواهد بود»تصفیه نمایند امید قوی‏ میدهد که مقصود نه تنها تخلیهء ایران از قشون خارجی بلکه استقرار اصول کامل آزادی و استقلال کامل ایران است.

حالا میباید دید آیا انگلستان هم این مملکتی که خود را وطن‏ آزادی مینامد نیز حسن‏نیّت خود را عملا اظهار و اثبات کرده‏ و بدولت روس و آلمان تأسّی نموده پیروی اصول سابق الذّکر را خواهد کرد و فورا قشون خود را که پس از عقب کشیدن‏ عثمانی و روس دلیلی برای ماندن آنها در ایران نیست پس‏ خواهد برد و برفع قیودات مخل استقلال و آزادی ایران که‏ همیشه دربارهء آنها عقب نماندن از روس را دلیل مجبوریّت خود پیش میآورد موافقت خواهد کرد یا نه.اینک موقع امتحان‏ ادّعاها.»

از مراتب حسن‏نیّت و نیک‏خواهی که خصوصا در این موقع از طرف‏ اولیای دولت علیّهء عثمانی در حق ایران بعمل آمده و با پذیرفتن مادّهء دهم‏ متارکه نامه عقب کشیدن قشون خود را از ایران و تخلیهء کامل آن متعهّد شده‏اند ما سپاسگذاریهای صمیمی خود را نسبت بآن دولت تقدیم میداریم.

از روزیکه نقاط غربی و شمالی ایران بواسطهء قشون روس و عثمانی‏ میدان جنگ و جدال بوده و ایالات مذکوره دوچار همه قسم صدمه و خسارت و متحمّل هزار کونه مصیبت گردیده است اولیای دولت علیّهء عثمانی در هر موقع و فرصت از این پیش‏آمد ناگوار اظهار دلسوزی و تألّم نموده و صفای نیّت خود را نسبت بدولت ایران و آزادی و استقلال‏ آن آشکار میداشتند.عمده‏ترین دلیلی که در این باب میشود ارائه نمود همانا نطق آخری است که اعلیحضرت سلطان در 16 محرّم 1336 درموقع‏ افتتاح مجلس مبعوثان عثمانی فرموده و در مورد ایران اینطور تقریر نمودند: «آرزوی مخصوص ما این است که همسایهء اسلامی ما دولت ایران از همه‏ قسم تجاوزات استیلاجویانه محفوظ مانده با استقلال تامّ ترقّی و تعالی‏ نماید.»

اینک در این موقع که برطبق مادّهء دهم متارکه‏نامه بین دول متّحده‏ از طرفی و دولت روس از طرف دیگر تخلیهء خاک ایران از قشون روس‏ و عثمانی قرار یافته است اثرات آنرا در قلوب برادران عثمانی و رجال‏ آن دولت علّیه از بیانات جناب احمد نسیمی یک وزیر امور خارجهء عثمانی که در برلین بنگارندهء روزنامه«فوسیشه زایتونگ»در تاریخ 8 ربیع‏ الاول 1336 و بسایرین تقریر کرده‏اند بخوبی میتوان دریافت.وزیر امور خارجه مومی الیه اظهار میدارند که:«مادهء دهم متارکه‏نامه موجب‏ شادی بزرگی در محافل عثمانی شده است.»

بعلاوه روزنامهء«طنین»که ناشر افکار هیئت وزرای حالیّهء عثمانی و در واقع زبان رسمی حکومت عثمانی است در شمارهء 3243 مورّخهء 7 ربیع‏ الاول 1336 مقالهء اساسی در این باب نوشته است که ما ترجمهء بعضی از قسمتهای آنرا ذیلا نقل میکنیم.

روزنامهء مذکور پس از آنکه شرحی از اهمیّت مادّهء مذکور مندرجه‏ در متارکه‏نامه و سیاست روس و انگلیس در زمان عهد معاهده‏نامه 1325 سخن میراند اینطور مینویسد:

«...و متأسفانه میان آنهائیکه بخاک ایران ضرر وارد میآورند -برخلاف میل خودمان-ما هم داخل بودیم.دولتین روس و انگلیس‏ بعضی از نقاط ایران را تصرف کرده و بدین واسطه سرحدّات ما را تهدید مینمودند.لازم بود که ما هم بهمان ترتیب از ایشان جلوگیری نمائیم و بهمین‏ جهت اردوهای عثمانی بایستی گاهی تا همدان و تبریز بروند.ولی نه ما و نه متّحدین ما این را نمیخواستیم زیرا که از جملهء مقاصد ما در این جنگ‏ یکی هم مراعات حقوق ملل و مانع نبودن در جلو ترقّیات آزادانهء آنها بود اینک مادّهء دهم مترکه‏نامه دلیلی است بزرگ بکمال صمیمیّت ما در این مقصود...

و اینک وزیر امور خارجه ما احمد نسیمی بیگ در موقع مسافرت‏ خود به برلین در ضمن بیانات خود بنگارندهء روزنامهء«فوسیشه زایتونگ» اظهار کرده‏اند که«مادّهء دهم متارکه‏نامه باعث امتنان بزرگی در محافل‏ عثمانی گردیده است»در واقع عین حقیقت است که بیان کرده‏اند.....

قبول مادّهء دهم متارکه‏نامه از طرف دولت روس در حقیقت نسخ‏ معاهده‏نامهء 1907 است و بدین واسطه دولت انگلیس را دیگرنه حقّ‏ اتکّال بمعاهده‏نامهء مذکور نه حقّ استدلال بدلائلی که اسباب عقد آن معاهده‏نامه بود میماند.امروز معاهده‏نامهء 1907 منسوخ و حتی‏ همهء آن اسباب ظاهری و مصنوعی که دولت انگلیس در عقد معاهده محقّ جلوه بدهد سخن از خطر بر هندوستان و تهدید راه آنجا از طرف روسها میراند ولی حالا خود دولت روس دارد قشون خود را از ایران عقب میکشد و با اینحال دولت انگلیس را دیگرنه حقّ توسّل بماعهده‏نامهء مذکوره و نه مجال دست‏آویز و بهانهء دیگری باقی است.»

در این موقع اغلب روزنامهای اروپا شرحی نوشتند و مسئله تخلیهء خاک ایران را از قشون خارجی که مبنایی آن چنانکه در مادّهء دهم متارکه‏ نامه هم مذکور است رعایت اصول آزادی و استقلال و تمامیّت خاکی‏ ایران بیطرف است از جمله مسائل دشواری شمردند که در این موقع‏ حلّی پیدا نمود و در ظلمات مسئلهء غامض و پیچ اندر پیچ شرق حکم نوری را حاصل کرد.در تاریخ 5 ربیع الاوّل 1336 روزنامهء«بتزد آم میتّاخ‏1»با شرح سئوال و جواب خبرنگار سیاسی خود با حضرت‏ آقای حسینقلی خان نوّاب سفیر ایران در برلن دو ستون روزنامهء خود را پر نمود.سئوال و جواب مذکور شامل مطالب بسیاری است‏ که چون از طرف مقامی رسمی اظهار شده کسب اهمیّت مخصوص‏ مینماید ولی بدبختانه ما بمناسبت طول ملیّون و وطن پرستان‏ ایرانی و وکلای مجلس ملّی مقیم فرنگستان تلگرافاتی چنددر سپاسگذاری‏ و امتنان و تشویق بنقاط مختلفه مخابره گردیده است.

تخلیهء ایران و روزنامهء تایمس

از غرایب تحریف کلام ترجمه‏ایست که روزنامهء«تایمس»لندن‏ بتاریخ 5 ربیع الاوّل 1336(19 دسامبر 1917)از مادّهء دهم متارکه‏نامهء میان دول مرکزی و روس نموده و عبارت مادّه را صراحة تحریف‏ کرده است.نصّ عبارت را که میگوید:«اساس آزادی و استقلال و تمامیّت خاک ایران بیطرف را مبنی قرار داده...الخ‏2.»بدینگونه‏ تغییر میدهد:«اساس آزادی و استقلال و تمامیّت خاک قسمت بیطرف‏ ایران را مبنی قرار داده...الخ.»معلوم است با گنجاندن تنها کلمهء «قسمت»در میان جملهء مذکور معنی بچه اندازه تغییر میابد بلکه اصلا بکلّی‏ ضدّ مقصود را میرساند.مادّهء دهم متارکه‏نامه صراحة حاکی آزادی و استقلال و تمامیّت خاک تمام ایران است و در حقیقت ناسخ عهدنامهء انگلیس و روس 1325 راجع بایران است چونکه شناختن استقلال تامّ‏ و تمام ایران از طرف دولت روس مستلزم نسخ منطقهء نفوذ آن دولت است‏ در اتیران که با اساس استقلال بکلّی منافی بود در صورتیکه ترجمهء روزنامهء «تایمس»بهیچ وجه من الوجوه این معانی را نمیرساند.

علاوه بر تحریف مزبور روزنامهء«تایمس»در جملهء آخر مادّهء نیز تغییراتی داده است باین معنی که عبارت«سایر وسایلی را که برای انجام‏ اساس مذکوردر فوق ضروری است»را بدین طور ترجمه مینماید: «و همچنین انجام ضمانت اساس مذکور و بعضی وسایل ضرورّیهء دیگر». و با این جزئی تحریف آشکار است که مقصود را تا بچه درچه سست‏ نموده است.

این‏گونه تحریفات از جراید ائتلاف تازگی ندارد و مخصوصا از طرف‏ «تایمس»که دشمنی آن با آمال ایران مشهور و قدیمی است و در این موقع‏ نخواسته بگذرد که مادّهء اثرات خود را در میان آزادی طلبان‏ صمیمی انگلیس ببخشد و با تحریفات جزئی بمقصود شوم خویش نایل‏ گردیده است.و عجب آن‏که روس ایران را آزاد میخواهد و استقلال‏ آنرا میشناسد و انگلیسها که همیشه سنگ حمایت و دلسوزی ملل ضعیف را بسینه میزده و میزنند و مخصوصا مدّتی با وعده‏های گرم و نرم گوش ایرانیان را (1) B.Z.am Mittzag

(2)برای ترجمهء تمام مادّه رجوع شود بمقالهء«مژدهء حیات»همین شمارهء«کاوه».

پر نموده بودند امروز چشم دیدن فرمان آزادی ایران را هم ندارند و بدون‏ بیم و خجالت در آن تحریفاتی مینمایند که جاودان اسباب سیه روئی خود آنها خواهد ماند.

واقعات اخیرهء جنگ فرنگستان

در این ماههای او ل سال چهارم جنگ فیروزیهای بزرگ از هر حیث‏ چه نظامی چه اقتصادی نصیب آلمان و متّحدین گردیده و-همان‏قدر که مقام‏ آنانرا مستحکم کرده امیدهای متفقین را متزلزل نموده است.

از حیث اقتصاد و معیشت امروز میتوان گفت که بیهودگی خیال‏ خامی را که متّفقین برای گرسنه کش نمودن آلمان در دماغ خود پخته‏ بودند بکلّی آشکار گردیده است.با آنکه در آلمان هم مثل کلّیهء ممالک‏ دیگر جنگاور و حتّی بیطرف کار معیشت مشکل است باوجوداین میتوان‏ یقین داشت که از این ببعد کار خوراک در آلمان اگر بهتر نشود سخت‏تر نخواهد گردید.برعکس فرانسه و انگلستان که با مشکلات زیاد دوچار هستند و هر روز مسئلهء ارزاق در آنجاها سخت‏تر میشود و بهمین‏ مناسبت بود که دولت انگلیس اخیرا صادرات مال التّجارهء خود را بممالک بیطرف بکلّی غذغن نمود که مبادا عنقریب خود وی محتاج بماند و دیگر از هیچ کجا نتواند لوازم زندگانی برای خود تهیّه نماید.

اخیرا آلمان احصائیّهء مصوّری نشر شده که قیمت ارزاق را در آلمان‏ و در ممالک دشمن باهم مقایسه نموده و بآسانی دیده میشود که قیمت‏ ارزاق در آلمان از انگلیس و فرانسه و روسیّه خیلی ارزانتر و مناسب‏تر است.از آنجمله هر سیر نان(یک کیلوگرام)در آلمان بپول آلمان‏ 40 فینک و در انگلیس 55 فینک و در روسیّه 43 فنیک است.و هر 13 سیر قند در آلمان 64 فنیک در انگلیس 104،در فرانسه 111 و در روسیّه 149 فنیک است.و هر 13 سیر سیب‏زمینی در آلمان 13،در انگلیس 31 و در فرانسه 40 فنیک است و همچنین سایر ارزاق.

از طرف مالیّه هم آلمان اشکالی در پیش نیست چنانکه قرض اخیری‏ که ملّت آلمان هفتمین بار بدولت خو داد و مبلغ آن قریب 12 میلیارد و نیم مارک است(یعنی بیش از 160،62 کرور تومان اگر مارک را بمیزان قبل از جنگ یعنی از قرار 50،2 قران حساب نمائیم)این مسئله را بخوبی آشکار میدارد.

ولی فیروزیهای عمدهء امسالهء متّحدین مخصوصا نظامی است:پس از آنکه در گالیسی دشمن را بکلّی از خاک اتریش بیرون نمودند و آنهمه زحمات و تلفات بروسیلوف را بهدر دادند1در 14 ذی‏ القعده 1335 در حدّ انتهای شمالی میدان جنگ شرق بغتة